

فرهنگ

معین الدین آل تقی

حوادث تلخ و شیرین بسیار، هم از نظر تنوع آب و هوایی و اقلیمی و هم از نظر وجود قومیت‌هایی با فرهنگ‌های متفاوت، پدیده‌ای تقریباً منحصر به فرد است. در هر گوشه از شمال و جنوب و غرب و شرق و مرکز آن، ده‌ها نوع واحد یاریگری خودجوش مردمی پدید آمده که با تأثیر پذیری از عوامل محیطی و نیازهای بومی سازمان‌دهی شده و نسل‌اندز نسل استمرار پیدا کرده و کارایی خود را در عرصه عمل به خوبی نشان داده است.

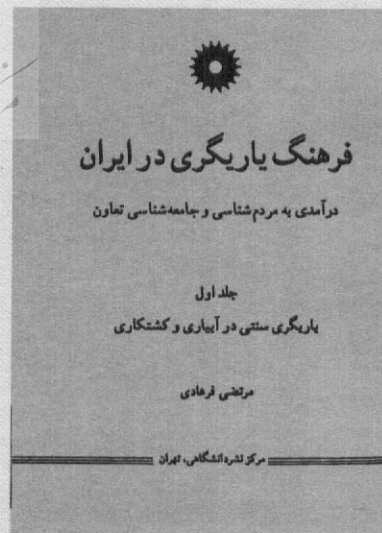
این واحدهای یادگیری سنتی، در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی مردم این سرزمین از آبیاری، کشت، دامداری، شکار، تولیدات خانگی، ساختمان‌سازی و... گرفته تا جشن و سوگواری، تعلیم و تربیت، بازی و سرگرمی و... پدید آمده و با حیات جمعی پیوند خورده و در هر گوشه تحت تأثیر شرایط اقلیمی-فرهنگی، نام و عنوانی خاص یافته و با قوانین نانوشته‌اش مورد پذیرش وجدان جمعی مردم واقع شده و در نهایت، بخشی از زندگی اجتماعی مردم آن گوشه گشته است و هرگاه که با تغییر شرایط اقتصادی-اجتماعی جامعه، تخریب شده یا تغییر شکل داده یا واقعیت بیرونی خود را از دست داده، باره یافتن به فضای باصفای قصه‌های مردمی و انعکاس در آن‌ها، به حیات خویش ادامه داده است.

متأسفانه در روزگار ما به سبب شتاب

سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد
آنچه خود داشت زیبگانه تمنّا می‌کرد
«حافظ»

زندگی اجتماعی، چه در اشکال ابتدایی و چه در اشکال پیشرفته، بدون یادگیری در عرصه‌های کار، تولید، خدمات، فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و... امکان پذیر نیست و به طور قاطع می‌توان گفت که زندگی اجتماعی بدون یاریگری و تعاون جز نفی زندگی اجتماعی نیست. زیرا از آغاز پیدایی بشر بر کره خاکی، هرگاه و در هر جا جمعیتی چه کوچ‌رو و چه ساکن شکل گرفته، اساسی‌ترین عامل شکل‌گیری و استمرار حیات آن، تعاون و یاریگری در میدان‌های یاد شده بوده است..

ناگفته پیداست که ساختار یاریگری‌ها در هر جمعیتی، تحت تأثیر شرایط اقلیمی، زیستی، فرهنگی، دیرینگی آن جمعیت و حوادث تاریخی گذشته بر آن، شکل گرفته و در ادامه حیات آن، عمق یافته، تثبیت شده و گسترش یافته است. با تغییر شرایط یاد شده، یا گذار جامعه‌ای از یک مرحله خاص کار و تولید به مرحله‌ای دیگر، تغییر و تبدیل یافته یا از پایه در هم ریخته و دیگرگون شده و با پیدایی شرایط تازه، ساختاری دیگر با تشکیلات و گسترشی دیگر پدید آمده و به مرور جایگزین ساختار پیشین گشته است. سرزمین کهن ایران، هم از نظر دیرینگی تاریخی و تجربه تحولات و کشمکش‌ها و



شناسنامه

نام کتاب: فرهنگ یاریگری در ایران

نام مؤلف: مریضی فرهادی

سال انتشار: ۱۳۷۳

شمار صفحات: نوزده + ۴۳۲

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۴۰۰۰

ناشر: مرکز نشر دانشگاهی

یاریگری در ایران

بیش از حد در پذیرش و اخذ شیوه‌ها و الگوهای غربی در همه شئون زندگی اجتماعی و جایگزینی ناسنجیده‌نهادهای اجتماعی غربی به جای نهادهای یاریگری سنتی، از طرفی این نهادها با سرعتی باورنکردنی روبه تخریب و نابودی نهاد و از طرف دیگر، به دلیل ناهم‌خوانی ساختار تعاونی‌های غربی با نیازهای اقلیمی و شرایط فرهنگی جامعه، این تعاونی‌ها چندان توفیقی حاصل نکرد و کار به آنجا کشید که برنامه‌ریزان در توجیه شکست‌های خود گفتند: «ایرانیان به تکراری در کار و تولید بیشتر علاقه دارند و از برنامه‌های تعاونی و کار جمعی استقبال نمی‌کنند.» یکی هم از آقایان نپرسید که این تکررها چگونه قرن‌ها زندگی اجتماعی را تاب آوردند و استمرار دادند؟

سال‌هاست که می‌گویند و می‌شنویم که جامعه ما همچون بسیاری از جوامع جهان امروز در حال گذار از شرایطی به شرایطی دیگر است. این گذار شتابناک و پرتب و تاب، بسیاری از ویژگی‌ها و بنیان‌های پیشین را به‌ویرانی می‌کشد و درهم ریختن نهادهای یاریگری سنتی نیز از جمله این ویرانی‌هاست. اما متأسفانه جدا از چند پایان‌نامه تحصیلی و چند تحقیق مقطعی محدود، برای ثبت و ضبط چند و چون این نهادهای ویران شده یاد در حال ویرانی، تلاش جدی و جمعی صورت نگرفته است. شاید از دست دادن نهادهای سنتی یاریگری برای

جامعه در حال گذار ما محتوم و اجتناب‌ناپذیر باشد. اما غفلت از بازشناسی سنت‌های دیرپایی که زندگی اجتماعی ما در عمر چند قرنه خود بنا نهاده و با تکیه بر آن‌ها به مقابله با حوادث و خطرات بی‌شمار تاریخ خود پرداخته و رفتارهایی که با مهاجمان پیروزمند در پیش گرفته و با پویایی تا آنجا رفته که اقوام مهاجم را به ضرب همین سنت‌ها زمین‌گیر کرده و در خود می‌تخلیل ساخته و هرگز در لباس یک ملت شکست خورده ظاهر نگشته، آینده این جامعه در حال گذار رانیز مبهم و تاحدی باری به هر جهت می‌سازد. زیرا از یک طرف، جامعه ما نمی‌خواهد از جهان پرتب و تاب امروز، که با سرعت نور در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تازد، عقب بماند و از طرف دیگر، عدم تأکید بر ویژگی‌ها و سنت‌های مذهبی و قومی، جامعه‌ای را که قرن‌ها بر استقلال فرهنگی پای فشرده، در عین پیشرفت اقتصادی بی‌هویت می‌سازد.

بنابراین، دعوت به بازشناسی سنت‌های یاریگرانه جامعه ما، دعوت به واپس‌گرایی یادعوت به درج‌زدن و از پیشرفت‌های سریع جهان امروز عقب ماندن نیست. بلکه دعوت به بازشناسی «آنچه خود داشتیم و داریم» و تأمل برای برنامه‌ریزی یک حرکت آگاهانه و حساب‌شده در بهره‌گیری از عوامل مثبت و سالم پیشرفت‌های امروزی و پرهیز از عوامل منفی و ناسالم آن است. پس اگر می‌خواهیم دقیقاً بدانیم که به کجا می‌رویم،

باید دقیقاً بدانیم که کجا بوده‌ایم و چه شرایطی داشته‌ایم.

به جرئت می‌توان گفت که «فرهنگ یاریگری در ایران» نخستین اثری است که جدی و همه‌جانبه به بازشناسی و تحلیل نهادهای سنتی یاریگری در گوشه و کنار ایران پرداخته و انواع تعاونی‌های خودجوش مردمی را با توصیف و بررسی مؤلفه‌های ساختاری آن‌ها تجزیه و تحلیل و معرفی کرده است.

مؤلف محترم این فرهنگ ارزشمند، در شناسایی «آنچه خود داریم» تنها به مطالعه آکادمیک کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های تحصیلی در این خصوص بسنده نکرده و با تحمل رنج سفرهای دور و دراز به اقصی نقاط سرزمین خود و مشاهده آنچه از نهادهای یاریگری باقی مانده و شنیدن آنچه از میان رفته یادشرف نابودی است، در مصاحبه با بازماندگان نسل‌های صاحب تجربه، به تحقیق میدانی گسترده‌ای همت گماشته است و با فراهم آوردن اسناد، نمودارها، جدول‌ها، طرح‌ها و عکس‌های قابل توجه و دقیق، اثری جامع و بی‌نظیر با مطالبی بسیار بکر و تازه پدید آورده است که به یقین از این پس مرجعی برای استادان، دانشجویان، محققان، جامعه پژوهان و تمام کسانی خواهد بود که به نوعی در کنار مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستایی یا تاریخ اجتماعی درگیرند.

کتاب حاضر، جلد اول از یک تألیف

دو جلدی است که جلد دوم آن پس از ۳ سال هنوز چاپ نشده است. این جلد به معرفی نهادهای یاریگری سنتی در زمینه آبیاری و کشت کاری اختصاص دارد و جلد دوم که مشتاقانه چشم به راه آنیم، دیگر یاریگری های سنتی را در زمینه های دام و دامداری، گردآوری خوراک و شکار و صیادی، تولیدات خانگی، راه و ساختمان، جشن ها و سوگواری های خانوادگی و عمومی، تعلیم و تربیت و پی آمدهای غیر مترقبه و متفرقه معرفی خواهد کرد.

جلد اول، یک پیش گفتار و سه بخش دارد که هر بخش آن به چند فصل تقسیم شده است. پیش گفتار، به توصیف موضوع اثر و بیان انگیزه مؤلف و روش گردآوری اطلاعات و معرفی فصل بندی های کتاب اختصاص داده شده است. فصل اول کتاب، که در واقع مقدمه ای مبسوط بر کتاب محسوب می شود و مؤلف آگاهانه به آن عنوان «کلیات» داده است، به ۳ فصل تقسیم می شود:

۱- ضرورت مطالعه بومی و شناخت یاریگری ها و تعاونی های سنتی.

۲- پیشینه پژوهش در یاریگری های سنتی ایران.

۳- گونه شناسی یاریگری ها و تعاونی های سنتی در ایران.

فصل سوم این بخش از پراهمیت ترین فصل های کتاب است که نویسنده در آن ضمن طبقه بندی و نام گذاری های کلی انواع یاریگری، از آن ها با عناوینی همچون همیاری، دگریاری، دگریاری همترازانه، دگریاری ناهمترازانه، خودیاری و گونه های آن چون خودیاری مشاع و خودیاری مفروز

سخن می گوید و در تفاوت تعاونی های سنتی یاریگری ها، گونه های تعاونی سنتی، گروه ها و سازمان های سنتی که به شکلی یاریگری در آن ها نقش اساسی دارد و در نهایت، در چند و چون طبقه بندی گروه های اجتماعی بر اساس نوع همکاری و یاریگری بحث می کند.

بخش دوم به معرفی و تحلیل گونه های یاریگری در خصوص آب و آبیاری اختصاص دارد و نویسنده در آن از یاریگری هایی همچون خودیاری در لای روبی و ساززنی، خودیاری در جوی روبی، خودیاری در لای روبی کوره قنات، خودیاری در لای روبی و تعمیر استخرهای کشاورزی، خودیاری در لای روبی هرانگ و منگل، خودیاری در بستن سد و بند و گوداب، خودیاری در نوکنی منابع آب و آبراهه، دگریاری و خودیاری در آب میان و آب بخشی، همیاری در گروه های هم آب، همیاری در آب به آب و آب قرضی و خودیاری در حفظ سازمان های آبیاری سنتی و استخدام کارگزاران آب سخن می گوید. او در فصل دوم همین بخش به معرفی یاریگری های سنتی در برگزاری جشن ها و اجرای مراسم مربوط به آب و آبیاری همچون خودیاری و دگریاری در جشن ها، خودیاری و دگریاری در اجرای مراسم و آیین های آب خواهی و خودیاری و دگریاری در آیین های باران خواهی می پردازد و هر سازمان یاریگری و رسم و آیین های مربوط به آن را با نام های بومی محل پدایی و شکل گیری آن ها معرفی می کند و شرح می دهد.

بخش سوم به معرفی و تحلیل یآوری ها

و تعاونی های سنتی در زمینه کشت کاری اختصاص یافته و مؤلف در فصل اول این بخش به معرفی انواع همیاری در زمینه کشت های زودبهره، انواع یآوری در کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی می پردازد. و در فصل دوم از بنه شناسی سخن می گوید و گونه های متفاوت بنه را با بیان مختصات اقلیمی و جغرافیایی هر یک معرفی می کند و در فصل سوم در انواع یآوری در زمینه کشت های دیربهره و باغ داری بحث می کند و در این فصل نیز ضمن نامیدن انواع همیاری و دگریاری به نام های محلی، کم و کیف کار هر یک را توضیح می دهد.

پیوست های کتاب طرح ها و عکس هایی گویاست و ذکر منابع شفاهی (راویان و مصاحبه شوندگان) و منابع کتبی (کتاب ها و مقاله ها و جزوه ها و پایان نامه ها و دست نوشته ها و یادداشت ها) و نیز فهرست نام ها، جاها، رستنی ها و کشت ها، خوردنی ها، جانوران و فهرست اصطلاحات و واژگان محلی، کتاب را کامل کرده است. جا دارد که مؤلف محترم پس از چاپ جلد دوم کتاب، جلد سومی نیز بر آن بیفزاید و مطالب هر دو جلد را به ترتیب الفبایی تمام حروف، در مدخل هایی تنظیم کند تا کار مراجعه به کتاب و بهره گیری از اطلاعات بسیار ارزشمند آن ساده تر شود و آنان را که در جستجوی اطلاعاتی محدودترند، دست گیر باشد.

ضمن آرزوی چاپ هر چه سریع تر جلد دوم این اثر، توفیق مؤلف گرانقدر آن را از حضرت حق مسئلت داریم.

*